

فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال پنجم، شماره شانزدهم، تابستان ۱۴۰۰

آرای انتقادی سیالکوتی مل وارسته در مطلع السعدین

نسبت به دیدگاه‌های سراج‌الدین آرزو

شهلا محمودیان؛ کبری نودهی^۱ (نویسنده مسئول)؛ حسنعلی عباسپور اسفندن^۳

صص (۱۴۷-۱۲۴)

چکیده

سیالکوتی مل وارسته، از شاعران و نویسندگان فارسی‌گوی شبه قاره در قرن دوازدهم هجری است. مطلع السعدین، یکی از آثار وارسته در موضوع بلاغت است. وی در این اثر، به بیان دقیق نکات مربوط پرداخته و دقت و ریزینی‌اش در نگارش مطلع السعدین، قابل توجه و حائز اهمیت است. در این اثر، وارسته به کتاب‌های بلاغی و نظر اندیشمندان معاصر و پیش از خود ارجاع داده و به‌عنوان موافق یا مخالف، نظراتی درباره آن‌ها ارائه کرده است. یکی از کسانی که در این اثر، بسیار از او نام برده می‌شود، سراج‌الدین آرزو است. آرزو، شاعر، نویسنده و منقد ادبی بوده، آثاری در نقد اشعار دیگران دارد. البته خود نیز مورد انتقاد برخی افراد قرار گرفته است. وارسته از او همواره به نیکی و با القابی چون سراج‌المحققین و سراج‌المدققین نام می‌برد؛ اما در مواردی، آرا و اشعار وی را زیر سؤال برده، رد می‌کند. در این مقاله به شیوه تحلیل محتوا به نمونه‌هایی از این موارد خواهیم پرداخت. استقلال رأی، دانش وسیع و مطالعه گسترده وارسته، در آرای انتقادی او نسبت به آثار بلاغی پیش از خود و نیز نظرهای اندیشمندان بزرگی چون سراج‌الدین آرزو، به‌روشنی نمایان است.

کلیدواژه: مطلع السعدین، سیالکوتی مل وارسته، نقد ادبی، سراج‌الدین آرزو.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Mahmodianx95@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

koobranodehi@gmail.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

h.abbaspouresfeden@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱

۱. مقدمه

سیالکوتی مل وارسته، از شاعران و نویسندگان فارسی‌گوی شبه قاره در قرن دوازدهم هجری است. علی‌رغم جست‌وجوی فراوان و پژوهش‌های به‌عمل‌آمده، دربارهٔ ولادت، خانواده، تحصیلات و احوال سیالکوتی، اطلاعاتی در دست نیست؛ اما برخی منابع، از جمله تذکرهٔ صبح گلشن، تذکره گل رعنا، سفینهٔ هندی و ادبیات فارسی در میان هندوان، به‌طور مختصر به سیالکوتی مل وارسته و آثارش اشاره کرده‌اند. وی اهل سیالکوت، شهری در پنجاب بود و در لاهور زندگی می‌کرد. با شاعران مشهوری چون واقف و حاکم و نیز حزین لاهیجی دوستی داشت. او از بهترین محققان عصر خویش بود و استعداد و نیروی انتقادی عجیبی در خود داشت (سید عبدالله، ۱۳۷۱: ۱۴۳ و ۲۱۱). سیالکوتی به گفتهٔ خود در دیباجهٔ مطلع السعدین، تمام مدت عمرش را در تتبع دواوین فصحا و منشورات بلغا به سر برده است (وارسته، ۱۲۷۱: ۲). وی در پایان زندگی، به دیر غازی خان، واقع در ایالت مرزی پاکستان کوچید و در سال ۱۱۸۰ ق در آنجا درگذشت. به نوشتهٔ بهگوان داس، وارسته «در نظم و نثر ماهر بود، به عروض و قافیه و اصطلاحات و لغت باخبر، چنانچه در این فن، تألیفی دارد» (بهگوان داس، ۱۹۵۸: ۲۳۶).

در تذکرهٔ صبح گلشن، دربارهٔ وارسته چنین آمده است: «وارسته لاهوری سیالکوتی مل نام داشت و برای تحقیق اصطلاحات فارسی به سرزمین ایران قدم گذاشت و سی سال در آنجا بود و کتاب مصطلحات الشعرا و صفات کائنات را به کمال تنقیح و تهذیب تألیف نمود و با شیخ محمدعلی حزین لاهیجی، محبتی داشت؛ بنابراین رجم الشیاطین در جواب تنبیه الغافلین خان آرزو نگاشت» (بهوپالی، ۱۲۹۵: ۵۸۰). اما سیروس شمیسا دربارهٔ حضور سی سالهٔ سیالکوتی مل وارسته در ایران نظری دیگر دارد: «اکثر کسانی که به زندگی وارسته اشاره کرده‌اند، نوشته‌اند که او برای مدت سی سال در ایران اقامت داشته است؛ اما در این زمینه هیچ سندی ارائه نداده‌اند. منشأ این اشتباه، مقدمهٔ مصطلحات الشعراست. وارسته نه تنها سی سال در ایران نبوده، بلکه هرگز سفری هم به ایران نداشته است و در این مورد قرائن و اشارات متعددی است. او از پیروان آیین هندو بوده است. در میان هندوان،

اسامی ای چون سیالکوتی مل، پشاوروی مل، امر تیسری مل و غیره معمول است. در تذکره های معروف آن دوره، هیچ نام و نشانی از وارسته ذکر نشده است، تنها مختصری در گل رعنا تألیف شفیق اورنگ آبادی موجود است و تذکره های دیگر درباره او ساکت اند. علی العجالة، بهترین منبع برای شرح حال و آثار وارسته، کتاب ادبیات فارسی در میان هندوان، تألیف دکتر سید عبدالله است» (وارسته، ۱۳۸۰: ۳۲-۳۴). علت مشهور نبودن سیالکوتی در میان شاعران و نویسندگان شبه قاره، آن است که او به دهلی و لکهنو که از مهم ترین مراکز علمی شبه قاره بودند، کمتر رفت و آمد داشته است (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۶۳۸).

آثار سیالکوتی مل وارسته عبارت اند از:

- مطلع السعدین: رساله ای در حوزه بلاغت است. سیالکوتی مل وارسته در این کتاب، به معرفی انواع ادبی و تعریف و توضیح صناعات ادبی پرداخته است. بنا بر نوشته مؤلف در مقدمه کتاب، این اثر، «رساله ای است در بیان ماهیت نظم و نثر و تفصیل اموری چند که لازم حال منشی و شاعراست همراه با بعضی از قوانین و قواعد این دو فن» (وارسته، ۱۲۷۱: ۲). سیالکوتی، کار نگارش مطلع السعدین را در سال ۱۱۶۸ ق آغاز کرد و در یک مقدمه، دو باب و یک خاتمه به انجام رساند.

- مصطلحات الشعرا: این کتاب، مجموعه ای از محاورات جدید و مصطلحات برگزیده است. سیالکوتی در این اثر، تنها به جمع آوری محاورات و مصطلحات اکتفا نکرده، بلکه هر واژه و محاوره را مورد توجه قرار داده و هر قسمت آن را با دقت و مانند یک ایرانی الاصل بررسی کرده است. بزرگ ترین ویژگی وارسته همین است که حامی تحقیق و طرفدار انتقاد است. نگارش این کتاب پس از ۱۵ سال تحقیق، در سال ۱۱۸۰ ق، یعنی سال درگذشت سیالکوتی، به پایان رسید.

- صفات کائنات یا عجایب و غرایب: گزیده ای است از نمونه های نثر انشاپردازان فارسی شبه قاره در قرن یازدهم و دوازدهم هجری، در توصیف مظاهر مختلف طبیعت، انواع آلات و اسباب معیشت، اقسام علوم، حرفه ها، صنایع، حیوانات، گیاهان و

- انتخاب منشآت: «این کتاب را محمد بشیر حسین در فهرست مخطوطات شیرانی (چاپ ۱۹۲۹م، ص ۲۸۷) به نام «نامه نگارین» و «صحیفه رنگین» خوانده است؛ ولی ... نام

این کتاب، انتخاب منشآت باید بشود؛ چون اصطلاح نامه نگارین برای توصیف کتاب آورده است، نمی‌توان این را نام کتاب تصور کرد» (انجم طاهره، ۲۰۱۳: ۶۳).

- بیاض وارسته: سیالکوتی مل وارسته در این اثر که با نام‌هایی دیگر چون جنگ رنگارنگ، نامه نگارین و صحیفه رنگین آمده، اییاتی را از شاعران مختلف جمع‌آوری کرده است. وی در این کتاب، اشعاری از ۷۲۰ شاعر متقدم، متأخر و معاصر خویش را به ترتیب الفبایی آورده و در مواردی اندک، توضیحاتی درباره برخی شاعران ارائه کرده است. «سال تکمیل تألیف بیاض وارسته بین سال‌های ۱۱۷۹ ق (۱۷۲۵ م) و ۱۱۸۱ ق (۱۷۲۷ م) می‌باشد و حتماً آخرین تألیف وارسته است» (همان: ۶۶).

- جواب شافی یا رجم الشیاطین: سیالکوتی مل وارسته در این رساله، به دفاع از شعر حاکم لاهوری، صاحب تذکره مردم دیده برخاسته است. دلیل شکل‌گیری رساله آن است که خان آرزو، ایراداتی بر شعر خان حاکم و منیر لاهوری، صاحب سراج منیر، مطرح می‌کند و طی آن، وارسته سیالکوتی می‌کوشد به این ایرادات پاسخ گوید. احتمال می‌رود رجم الشیاطین و جواب شافی، دو نام یک کتاب باشند (سیدعبدالله، ۱۳۷۱: ۱۳۳).

- احقاق حق: رساله‌ای است مختصر در جواب تنبیه الغافلین سراج‌الدین علی خان آرزو در نقد اشعار حزین لاهیجی (رحیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۴). سیالکوتی مل وارسته در دعوی حزین و آرزو، جانب حزین را گرفته و در این رساله، ۶۹ مورد از ۳۱۵ بیت مورد انتقاد آرزو را رد کرده است.

- تذکره الشعرا.

- دیوان اشعار.

۱-۱. بیان مسئله

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی آرای انتقادی سیالکوتی مل وارسته در اثر بلاغی‌اش، مطلع السعدین، بر اشعار و آرای سراج‌الدین خان آرزو است. وی در جای‌جای این اثر، به کتاب‌های بلاغی مختلف و نظر اندیشمندان معاصر و پیش از خود ارجاع داده و به‌عنوان موافق یا مخالف، نظراتی درباره آن‌ها ارائه کرده است. یکی از کسانی که در این اثر بسیار

از او نام برده شده و برخی از دیدگاه‌ها و اشعار وی مورد نقد قرار گرفته، سراج‌الدین آرزو است.

۱-۲. ضرورت تحقیق

مطلع السعدین، اثر سیالکوتی مل وارسته، یکی از آثار بلاغی شبه قاره است و خان آرزو نیز یکی از نویسندگان صاحب‌نام و معتبر در حوزه نقد ادبی بوده، آثار فراوانی در این زمینه دارد. از این رو نقد برخی از آرا و دیدگاه‌های خان آرزو در مطلع السعدین، شایسته تحقیق و بررسی است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

مطلع السعدین، تنها یک بار به صورت چاپ سنگی در سال ۱۲۹۶ ق در کانپور هند منتشر شده است. درباره موضوع این مقاله، تاکنون کتاب یا مقاله‌ای به چاپ نرسیده، اما درباره مطلع السعدین و مؤلف آن، سیالکوتی مل وارسته و نیز سراج‌الدین آرزو، در دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (۱۳۸۰)، مقدمه کتاب مصطلحات الشعرا به قلم سیروس شمیسا (۱۳۸۰)، کتاب بر خوان آرزو، تألیف مهدی رحیم‌پور (۱۳۹۱)، کتاب ادبیات فارسی در میان هندوان، تألیف سید عبدالله (۱۳۷۱) و برخی تذکره‌ها از جمله سفینه هندی، تألیف بهگوان داس (۱۹۵۸م)، تذکره گل رعنا، تألیف اورنگ‌آبادی (۱۱۸۲ ق)، تذکره صبح گلشن، تألیف بهوپالی (۱۲۹۵ ق) و سفینه خوشگو، تألیف خوشگو (۱۳۷۸ ق) مطالبی آمده است. البته در این کتاب‌ها بیشتر به زندگی و آثار این دو شاعر و نویسنده پرداخته شده و به موضوع مورد بحث این مقاله، یعنی انتقادات سیالکوتی از دیدگاه‌ها و اشعار خان آرزو اشاره نشده است.

۱-۴. روش پژوهش

در این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و اسنادی، کتاب مطلع السعدین، اثر سیالکوتی مل وارسته بررسی شده، مواردی که در آن به آرا و اشعار خان آرزو نقدی وارد گردیده، استخراج و تحلیل شده است.

۱-۵. مبانی نظری تحقیق

سیالکوتی مل وارسته، از شاعران و نویسندگان فارسی‌گوی شبه قاره در قرن دوازدهم هجری است. او از بهترین محققان عصر خویش بود و استعداد و نیروی انتقادی عجیبی داشت. کتاب جواب شافی یا رجم الشیاطین را در دفاع از شعر حاکم لاهوری، صاحب تذکره مردم دیده نوشته است. دلیل شکل‌گیری رساله آن است که خان آرزو، ایراداتی بر شعر خان حاکم و منیر لاهوری، صاحب سراج منیر، مطرح می‌کند و طی آن، وارسته سیالکوتی می‌کوشد به این ایرادات پاسخ گوید. همچنین کتاب احقاق حق او رساله‌ای است مختصر در جواب تنبیه الغافلین سراج‌الدین علی خان آرزو در نقد اشعار حزین لاهیجی. سیالکوتی مل وارسته در دعوی حزین و آرزو، جانب حزین را گرفته و در این رساله، ۶۹ مورد از ۳۱۵ بیت مورد انتقاد آرزو را رد کرده است. اثر دیگر وارسته، مطلع السعدین، رساله‌ای در حوزه بلاغت است. که در آن به معرفی انواع ادبی و تعریف و توضیح صناعات ادبی پرداخته است. سراج‌الدین علی اکبرآبادی گوالیاری، شاعر، نویسنده و منتقد برجسته فارسی‌گوی هندی قرن دوازدهم، ملقب به استعداد خان و خان صاحب و متخلص به آرزو، یکی از استادان بزرگ ادب پارسی در هند است که با نگارش چند فرهنگ‌نامه مهم و چند کتاب در نقد ادبی و بدیع و بیان و نوشتن شروحو بر برخی از آثار گذشتگان، خدمتی شایان به ادب فارسی و گسترش و اعتلای آن در شبه‌قاره هند انجام داد. نقد شعر فارسی در شبه قاره در دوره اکبر شاه به بعد شروع شد و در قرن دوازدهم هجری، نویسندگان آن دیار به زبان فارسی، آثار متعدد و سودمندی در زمینه نقد شعر تألیف کردند که بسیار حائز اهمیت است. اغلب منتقدان این عصر، نه تنها در زبان فارسی و عربی مهارتی داشتند، بلکه با زبان و ادبیات هند نیز کاملاً آشنا بودند (نجم الرشید، ۱۳۸۲: ۶۶-۵۴).

۲. بحث و بررسی

۲-۱. معرفی مطلع السعدین

مطلع السعدین، کتابی است در بیان ماهیت نظم و نثر و برخی از قواعد مربوط به آن‌ها و شرح اموری که دانستن آن برای منشی و شاعر لازم است. نگارش این کتاب توسط

سیالکوتی مل وارسته در سال ۱۱۶۸ ه.ق آغاز شد که شامل یک مقدمه، دو باب و یک خاتمه است. مؤلف در مقدمه این اثر، به تمجید زبان فارسی، در باب اول به مباحث شعری و در باب دوم به مباحث نثر و انشا پرداخته است. در دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره آمده است که وی این اثر را به پیروی از حدائق السحر رشید وطواط نوشته است (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۶۳۸)؛ اما در همین کتاب در جایی دیگر چنین آمده: «به عقیده برخی مؤلفان، وارسته در این کتاب، از مناظر الانشای محمود گاون پیروی کرده، اما سید عبدالله، مطلع السعدین را اثری بدیع می‌داند و می‌گوید که وی به راه پیشینیان نرفته است» (همان: ۱۳۸۰: ۲۳۶۹). سیالکوتی مل وارسته در مطلع السعدین غالباً ابیات متأخرین را به‌عنوان شاهد مثال آورده است. ابیاتی از صائب تبریزی، عرفی شیرازی، ظهوری ترشیزی، طالب آملی، قدسی مشهدی، زلالی خوانساری، شفایی اصفهانی، حیاتی گیلاتی، واله هروی، علی نقی کمره‌ای، سعید اشرف، کلیم کاشانی، سلیم تهرانی، بیدل دهلوی، طغرای مشهدی، محسن تأثیر و... که همگی از شاعران صاحب‌نام سبک هندی به شمار می‌آیند، بیشترین مثال‌های مطلع السعدین را به خود اختصاص داده است. مطلع السعدین، از وجوه مختلف، حائز اهمیت است و می‌توان آن را اثری بدیع به حساب آورد. مهم‌ترین ویژگی‌های مطلع السعدین عبارت است از: ۱. دقت و هوشیاری فراوان در کاویدن موضوع؛ ۲. توجه و بهره جستن سیالکوتی از اشعار شاعران هم‌عصرش؛ ۳. نقل مثال‌های غیرتکراری و منحصر به فرد؛ ۴. دقت بلاغی؛ ۵. رعایت اخلاق علمی؛ ۶. پرداختن به استثنائات؛ ۷. استفاده از آیات و احادیث؛ ۵. ارائه آرای انتقادی و عدم تقلید کورکورانه از پیشینیان: وارسته در جای جای این اثر، به کتاب‌های بلاغی مختلف و نظر اندیشمندان معاصر و پیش از خود ارجاع داده و به‌عنوان موافق یا مخالف، نظراتی درباره آن‌ها ارائه کرده است. یکی از کسانی که در این اثر بسیار از او نام برده می‌شود، سراج‌الدین آرزو است. سیالکوتی مل وارسته از او همواره به نیکی و با القابی چون سراج‌المحققین و سراج‌المدققین نام می‌برد.

۲-۲. معرفی سراج‌الدین آرزو

سراج‌الدین علی اکبرآبادی گوالیاری، ادیب، لغت‌پژوه، منتقد و شاعر برجسته فارسی‌گوی هندی، ملقب به استعداد خان و خان صاحب و متخلص به آرزو

(خوشگو، ۱۳۷۸: ۳۱۲، ۳۱۹ و ۳۳۱) در سال ۱۰۹۹ ه.ق در اکبرآباد (آگره کنونی) به دنیا آمد (نقوی، ۱۳۴۳: ۳۱۳-۳۱۴).

مهم‌ترین گواه بر بزرگی آرزو، سلوک وی با اغلب معاصرانش است که بخش عمده‌ای از این ارتباطات، حول شخصیت علمی او می‌گردد. آرزو طی زندگی خود، چند ملاقات مهم با سرخوش (م ۱۱۲۶)، میرزا حسین ناجی (م ۱۱۲۶)، باذل مشهدی (م ۱۱۲۳) و بیدل دهلوی (م ۱۱۳۰) داشته که به‌ویژه دیدار او با سرخوش در سرآغاز شاعری، بسیار مهم بوده و موجب خوش‌آمد پیر روشن‌دل شده بوده تا آنجا که تعریف و تمجیدهای سرخوش از شعر آرزو نزد میرزا حسین ناجی، باعث دوستی محکمی بین ناجی و آرزو شد (خوشگو، ۱۳۷۸: ۳۱۶-۳۱۷). باید گفت مقام شاعری وی پایین‌تر از مقام علمی اوست. در میان آثار منشور او نیز طبعاً نقدنامه‌های وی و سپس فرهنگ‌های لغت او به‌ویژه نسبت به شروح او از ارزش بالاتری برخوردار است. سبک نثر وی همچون سایر ادبای شبه قاره، هندی‌وار و با بعضی از معیارهای انشای فارسی در تباین است. همچنین شعرش به طرز شعرای میانه‌روی سبک هندی است. آرزو در ربیع‌الثانی ۱۱۶۹ق/ ژانویه ۱۷۵۶م در لکهنو وفات یافت.

او یکی از استادان بزرگ ادب پارسی در هند است که با نگارش چند فرهنگ‌نامه مهم و چند کتاب در نقد ادبی، بدیع و بیان و نوشتن شروحنی بر برخی از آثار گذشتگان، خدماتی شایان به ادب فارسی و گسترش و اعتلای آن در شبه قاره هند انجام داد. تعدادی از آثار وی عبارت‌اند از:

۱. غریب اللغات یا تصحیح غرایب اللغات، فرهنگ اردو به فارسی و عربی و ترکی که اصلاح و تکمیل غرایب اللغات عبدالواسع نسوی است؛ ۲. سراج اللغه، در لغت فارسی که از لحاظ انتقادهایی که بر برهان قاطع و فرهنگ رشیدی کرده، قابل ملاحظه است؛ ۳. چراغ هدایت، تکمله‌ای است بر سراج اللغه در لغاتی که شاعران متأخر به کار برده‌اند. این کتاب چند بار در هند بر حاشیه غیاث اللغات و نیز جداگانه در تهران به چاپ رسیده است؛ ۴. زاید الفوائد، ریشه‌های افعال فارسی و عربی آن شهرت ندارد؛ ۵. تنبیه الغافلین، در نقد اشعار حزین؛ ۶. احقاق الحق، درباره اشعار حزین؛ ۷. داد سخن، در شرح قصیده‌ای

از قدسی مشهدی و نقدهای منظوم شیدای فتحپوری و منیر لاهوری بر آن؛ ۸. سراج منیر، در نقد و جواب اثر انتقادی منیر لاهوری، به نام کارنامه. خان آرزو در این اثر به دفاع از شعر نوگرایانی چون عرفی، طالب، زلالی و ظهوری پرداخته است که منیر در کارنامه از آنها انتقاد کرده بود؛ ۹. سراج وهاج یا محاکمه شعرا. در صحف ابراهیم این اثر به نام سراج وهاج در حل ابیات خواجه شیراز ذکر شده است؛ ۱۰. خیابان یا شرح گلستان، در کانپور به چاپ رسیده است؛ ۱۱. شرح قصاید عرفی؛ ۱۲. معیار الافکار، در قواعد صرفی و نحوی زبان فارسی؛ ۱۳. عطیة کبری، در علم بیان؛ ۱۴. موهبت عظمی، در معانی که ذیل و تکلمه عطیة کبری است؛ ۱۵. شرح مختصر المعانی؛ ۱۶. مثمر، با الگوبرداری از المزهر سیوطی نوشته شده و مجموعه‌ای است از نظریات خان آرزو در زبان‌شناسی، لغت‌شناسی و سبک‌های شعری. ۱۷. رساله ادب عشق؛ ۱۸. مثنوی جوش و خروش، به مقابله سوز و گداز ملانوعی. ۱۹. سوز و ساز، یا شور عشق، در برابر محمود و ایاز ملازلالی؛ ۲۰. مثنوی، در جواب حدیقه سنایی؛ ۲۱. مثنوی مهر و ماه؛ ۲۲. دیوان، مشتمل بر ۵۰۰۰ بیت؛ ۲۳. مجمع‌النفایس، شامل نام و شرح حال مختصر شاعران پارسی‌سرا و برگزیده شعرهای آنان از نخستین دوره‌ها تا روزگار مؤلف (رحیم‌پور، ۱۳۹۱: ۷-۲۸).

۲-۳. انتقادات وارسته بر آرا و اشعار خان آرزو

آرزو منقد ادبی بوده، آثاری در نقد اشعار دیگران دارد. البته خود نیز مورد انتقاد برخی افراد قرار گرفته است. «آرزو از شمّ انتقادی بسیار بالایی برخوردار بوده است و حتی در فرهنگ‌های لغت و شرح‌هایی که بر آثار دیگران نوشته، به نقد پرداخته است» (همان: ۱۴). کارهای تحقیقی خان آرزو آکنده است از بدایع شگرف زبان‌شناسی و نقد و سبک‌شناسی. او به نقد ادبی در زبان فارسی هویت مستقل بخشید و آن را بر پایه اصول علمی زبان‌شناسی و بلاغت و لغت‌شناسی بنیاد نهاد (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۵۷). توجه به ساخت و صورت شعر، از برجسته‌ترین جنبه‌هایی است که در آثار انتقادی خان آرزو دیده می‌شود. او همواره در پی تعیین کردن تناسب هر واژه در یک بیت با دیگر واژگان آن بیت است. او در این زمینه، بر کارکرد هر عنصر زبانی تأکید می‌ورزد و اگر در بیتی عنصری را بی‌کارکرد (فاقد نقش، بی‌تناسب، حشو) بیابد، بر شاعر خرده می‌گیرد (همان: ۳۶۳ و ۳۷۹). اظهارات

دقیق و فنی و بی سابقه خان آرزو در باب تحولات دوره‌ای شعر فارسی و عناصر سبکی غالب در هر عصر و ویژگی‌های فردی شعر هر شاعر نشان می‌دهد که او در تاریخ ادبیات فارسی، سبک‌شناسی طراز اول است (نک: شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۲: ۱-۱۶). خان آرزو در اغلب اظهارنظرهای خود از جانب‌داری و تعصب‌ورزی پرهیز کرده است. در این میان، شاید انتقادهای او به حزین لاهیجی با برخی مسائل شخصی و نیز حس هندی‌گرایی آمیخته است.

یکی از کسانی که به نقدهای آرزو پاسخ داده، سیالکوتی مل وارسته است که دو رساله در این زمینه دارد؛ یکی احقاق حق که رساله‌ای است مختصر در جواب تنبیه الغافلین آرزو و دیگری جواب شافی یا رجم الشیاطین در جواب نقد آرزو بر دیوان حاکم لاهوری. وارسته در مطلع السعدین نیز، بر برخی نظرهای خان آرزو ایراد می‌گیرد و بدان‌ها پاسخ می‌دهد. در ادامه، به مواردی از این انتقادات می‌پردازیم:

- سیالکوتی مل وارسته در بخش تعریف اصطلاح تفسیر جلی می‌گوید: «شاعر در مصرعی یا بیتی الفاظی آرد که مبهم باشد و در مصرع یا بیت دیگر تفسیر کند و همان الفاظ را عند التفسیر بیارد.» (وارسته، ۱۲۷۱: ۳۰).

وی در ادامه، بیتی می‌آورد که نظر خان آرزو را در مورد آن، رد می‌کند.

«دختر رز از برم تا رفت گردیدم یتیم دوستداران چاره‌ این طفل بی‌مادر کنید
خان سراج‌المحققین بر این شعر از سه وجه ایراد گرفته‌اند؛ یکی اینکه، طفل از مردن مادر یتیم نمی‌شود و دوم آنکه، نسبت از بر رفتن به مادر نمی‌توان کرد. سوم آنکه خود را پسر دختر قرار دادن خیلی قبیح است.» (همان).

سیالکوتی مل وارسته به هر سه ایراد پاسخ می‌دهد. در پاسخ به ایراد نخست می‌گوید: «هرچند یتیم در لغت به معنی طفلی است که پدر از سرش رفته باشد، لیکن شعرا بر کودکی که مادرش بمیرد نیز اطلاق کنند» (همان). سپس برای تأیید نظر خویش، این شعر از نظیری نیشابوری را نقل می‌کند:

«بخت مادرگش، یتیم در غربی کرده است کرده گردون دایگی آیین و دوران مادری»

آن‌گاه به دو ایراد دیگر خان آرزو چنین پاسخ می‌دهد: «مراد از بررفتن آن نیست که فهمیده‌اند، بلکه بر، به معنی پیش است؛ گویند قاصد از بر او آمده است و قاصد از بر ما رفته است. چنان‌که کمال اسمعیل گوید:

دل خود طلب چو کردم بر نرگس تو گفتا برو ای فلان و بهمان، بر من چه کار دارد
خان خالص:

ندیده کس کمر تنگ دلستان تو را مصوّر از بر خود می‌کشد میان تو را
و جواب سوم آنکه از این قسم، بل بتر از این، در اشعار اکابره است، از آن جمله خلاق معانی گوید:

نبات فکر مرا بی ولی و خطبه و عقد ز ره ببرد فضولی ز نامسلمانی
به دأب محرم و نامحرمش نصیحت کرد نه هیچ شرم ز خلق و نه ترس یزدانی
مرا ز غیرت خون جگر به جوش آمد چو آن‌چنانش بدیدم ز نابسامانی
زدم به شانه تقطیع زلف الفاطش بشستم از رخ معیش گرد ظلمانی
هنوز نیستم ایمن ز عوره مکشوف که رنگ آرد ازو لاله‌های نعمانی»
(همان: ۳۰-۳۱).

- سیالکوتی در جایی دیگر اشکال خان آرزو را بر شعر ظهوری رد می‌کند: «اجله صیغه جمع قلت است. خان سراج المحققین در کتاب مصنفه خود مسمی به متمر گفته که ظهوری در این شعر:

خموش چون شوم از غیب می‌دهند ندا که لب مبند ز مدح اجله الحکما
به جای اجل که صیغه افعال التفضیل است، اجله آورده و وجه این غلط، نزدیک بودن هر دو لفظ است در تلفظ و سبب عدم فصاحت آن است که هیچ‌یک از اساتذده چنین نیاورده. مؤلف هم در این لفظ متردد بود؛ لهذا این قصیده را از هر جا طلبیده، تحقیق نسخه می‌نمود. آخر در این ولا نسخه محرره ایرانی کاتبی به هم رسید و در آنجا به جای اجله الحکما، خلاصه الحکما دیده شد. هم تردد رفع شد و هم طعن عدمیت فصاحت و غلط از کلام همچو ظهوری استادی مندفع گشت» (همان: ۳۵).

- سیالکوتی مل وارسته در دنباله توضیحاتش درباره واژه دیت، به نقل از خان آرزو می‌گوید: «خان سراج المحققین، لفظ قصاص را به سند این شعر سلیم: به جرم یک نگهی ز آتش فراقم سوخت قصاص عاشق و تقصیر را تماشا کن نوشته که این لفظ عربی است به معنی کشته شدن شخصی عوض خون شخصی. فارسیان به معنی تعزیر مطلق آرند. گوییم در تازی هم مخصوص به عوض خون نیست؛ کما قال عز و جل: «السِّنُّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ» (همان).

- سیالکوتی مل وارسته دربارهٔ مشدد بودن برخی کلمات و تخفیف آن‌ها چنین می‌نویسد: «تخفیف تنور که به نصّ قاطع مشدد است؛ کما قال عز و جل: «و فار التَّنُور»، الایه و دکان و حنا و امثال آن محتاج به تمثیل نیست. اما تشدید مخفف لفظ عمر است که حقیقتاً در کتب تازی مخفف است، مولوی معنوی مشدد آورده، مثال آن در مثنوی مذکور هست. مَنْ آرَاد الاطّلاع فعلیه مطالعه» (همان: ۶۱). سپس نظر سراج‌الدین را دربارهٔ واژه کافیه در شعر طغرا نقد کرده، شاعر را از ایراد خان آرزو تبرئه می‌کند: «اینکه سراج المحققین کافیه را به تمسک این شعر طغرا،

شعر:

از او گشته کافیه زیر و زبر نشد آگه از مبتدا و خبر

از این قبیل فهمیده‌اند و فرموده اگر طغرا به گمان یای نسبت، مشدد ساخته، سهو الفکر است؛ زیرا که یای نسبت نیست، گوییم اگر به تقدیم و تأخیر الفاظ این مصرع را چنین خوانیم:

از او کافیه گشته زیر و زبر

نزاعی نمی‌ماند و بیچاره طغرا از طعن سهو الفکر نجات یابد» (همان).

همچنین نظر خان آرزو را دربارهٔ مخفف نکردن «گره»، با ذکر بیتی از کمال‌الدین اسماعیل، رد می‌کند:

گه‌گه که در افادت درسی کند شروع تا همچو خویش خرکره را درس خوان کند

و اینکه سراج المحققین لفظ کره به معنی بچه حیوانات را از این قبیل شمرده و از مخفف بودن، منکر است، کمال اسمعیل به تخفیف آورده و جای انکار نگذاشته؛ بلی کره به معنی تازیانه مخفف دیده نشده» (همان).

- در بحث عدم توافق مرجع و ضمیر، با ذکر بیتی از طالب، به اشتباه فاحش سراج الدین درباره کلمه «رایان» اشاره دارد:

«ز رایان سرکش که در هند بود سر عجب رانا نیامد فرود

خان سراج المحققین در این شعر، رایان را که به یای حطی است، رانان به نون فهمیده، جمع رانا گفته و این غلطی است فاحش، چه جمع رانا، رانان اصلاً نمی تواند شد. رایان جمع رای، لفظی است آمده به هندی لغت، چه رای در هند از عالم رانا و راجه است. غایتش اینکه بینهما تفاوتی از تنزل و علو درجه اعتباری معتبر دارند» (همان: ۷۳).

- سیالکوتی مل وارسته بر نظر خان آرزو درباره معنی کلمه «درماندن»، خرده می گیرد و در رد آن، مخاطب را به شاهد مثال هایش در کتاب مصطلحات الشعراي خویش ارجاع می دهد:

«خان آرزو در این شعر:

از شرم، وقت دیدنت ای ترک گرم خو همچون نشان آبله درمانده ام به رو
درماندن را به معنی مطلق شرم کردن آورده و این معنی، خلاف جمهور است، بلکه معنی آن به روداری کسی از سر چیزی درگذشتن در مصطلحات الشعرا به مستشهدات نوشته ام.
پس اگر این معنی در این شعر بگوییم، ذم معشوق ثابت می شود، فافهم» (همان: ۷۸-۷۹).

- سیالکوتی، در بخش معایب شعر، در باب سرقت ادبی، بیتی از خان آرزو را نقل می کند که برگرفته از شعر طوفی تبریزی است:

«طوفی تبریزی:

تو با رقیب گذشتی و شد یقین همه را

که خوب و زشت جهان هرچه هست در گذر است

خان سراج المدققین:

با رقیبان ز سر کوچه ما می گذری خوب و نیک و بد آفاق همه در گذر است»

(همان: ۷۵-۷۶)

همچنین در موضوع تنافر، به ابیاتی از خان آرزو اشاره کرده است:

«ز تو تا تو هست بسیار ره و در میان موانع

ز چه‌ها گذشته باشی که به خود رسیده باشی

بوی گیسوش ار به گُھساری برد باد صبا

در رگ کان جمله خون لعل گردد مشک ناب

و وحشی و غریب الفاظی است که غیر مانوس الاستعمال باشد و در تفحص معانی آن،

کتاب لغت را باید غربال کرد تا نمی بیرون دهد. مثالش، خان سراج المحققین فرماید:

نکردم شیخ را آنجا سلامی چون دوچارم شد

که اقدستای پیر دهر خود ورد زبانم بود

لفظ اقدستا لغت ژند و پاژند است و آشنای زبان‌ها نیست و مطلق بیگانه گوش‌هاست

و هم معنی آن موقوف است بر تفحص نسخ لغات ژند و پاژند» (همان: ۷۸).

- سیالکوتی مل وارسته نظر خان آرزو را درباره این بیت از سلیم، صحیح نمی‌داند:

«بر این شعر سلیم:

به درویشی سلیم از بس که خو کردم پس از مردن

چو آتش زنده می‌گردم اگر بر بوریا افتم

نوشته‌اند که زنده شدن آتش بر بوریا چه که به سبب افتادن بر پنبه نیز ممکن هست،

در این صورت تشبیه درست نمی‌شود. گوییم افتادن آتش، درگرفتن آتش است، چنان‌که

گوید اسیر:

چه حسن نیم‌رنگ است این چو مژگان خدنگ است این

مگر کار فرنگ است این که آتش در فرنگ افتاد

دیگر امثله در دواوین بسیار است. ظاهراً لفظ بر که از سهو ناسخ در شعر سلیم

دیده‌اند، منشأ این اعتراض شده و آلا در دیوانی که راقم به خط مصنف دیده، در بوریا افتم

بوده» (همان).

- سیالکوتی مل وارسته در بحث تعقید لفظی و معنوی می‌گوید: «اگرچه علمای تازی

و پیشوایان عجمی هر دو قسم تعقید را از معایب نوشته‌اند، لیکن در کلام استادان بیشتر

یافته می‌شود؛ چنان‌که متتبع دیوان خاقانی شروانی می‌داند که اکثر اشعار آن معنی‌یاب، معقّد واقع شده و از این رو محسن تأثیر گفته، شعر:

ز رشکت مهر تابان بس که در دل عقده‌ها دارد

معقّد مصرعی از شعر خاقانی است پنداری» (همان: ۸۰).

آن‌گاه به اشتباه سراج‌الدین در خصوص غلط دانستن بیتی از سعدی اشاره می‌کند: «و همین سبب است که خان سراج المحققین در بحث وقوع غلط از زبان‌دان، بر این شعر شیخ شیراز، شعر:

تو نیکوروش باش تا بدسگال به نقص تو گفتن نیابد مجال

بی‌محابا حکم به غلط کرده، با آنکه تعقید از باب غلط نیست» (همان).

- سیالکوتی مل وارسته ضمن بیان نظر میرجمال‌الدین انجو در فرهنگ جهانگیری درباره آوردن واو عطف ملفوظ در شعر که خلاف فصاحت دانسته شده، ابیاتی را ذکر می‌کند که دارای واو ملفوظ هستند:

«در کلام اساتذده بسیار دیده شده. امثله، فصیحی گوید:

تا سبحه و زَنار نسوزیم چه دانند که آیین جنون چیست و مجنون چه کیشیم
واله هروی:

چو گرفت ملک آشام و بشد عمل به کامش ز حدود چین و ماچین بگشاد ملک بی حد
علی نقره کمره:

بر رخس نعش گشته روان و اختران اشک چون دختران نعش دوان در قفای او»
(همان: ۸۱).

سپس درباره نظر سراج‌الدین درباره بیتی از حکیم فردوسی چنین می‌گوید: «اینکه خان سراج المحققین، واو عاطفه این شعر فردوسی که:

و یا باره رستم جنگجو به آخر نهد بی خداوند رو

از این عالم شمرده، تسامح ورزیده؛ زیرا چه اظهار واو عاطفه در اثنای مصرع، مخلّ فصاحت است و در ابتدای کلام از این باب نیست. حق تحقیق اینکه به نظر امعان اگر دیده شود، با وصف امثله مذکوره، اظهار واو عطف البته مخالف فصاحت است و قائل

استعمال هم مصدق این معنی است. بعضی از ائمه لغت تازی نوشته‌اند که منخل فصاحت، قلت استعمال است بالانفراد و غرابت و مخالفت قیاس راجع به همین است و در قلت و کثرت استعمال هر دوری از ادوار معتبر» (همان).

- سیالکوتی درباره نظر سراج‌الدین درخصوص استفاده شاعران از کلمه «نهادن» در معنی زشت آن می‌نویسد: «خان سراج المحققین در کتاب مسمی به مثمر تصنیف خود نوشته‌اند لفظ نهادن در عصر قدما بلکه تا عهد نظیری هم به معنی شنیع مستعمل نبود که شاعر مذکور این بیت گفته:

در پای گلبنی قفسم را، الخ

لفظ نهادن مورد قباحه مذکور شده گوئیم تا عهد نظیری، چه که تا وقت مرزا صائب هم قباحتی نداشته و لهذا مرزا حسین گفته:

منکران چون دیده شرم و حیا برهم نهند تهمت آلودگی بر دامن مرهم نهند
الیوم مهجور و ممنوع است، لیکن حیرانم که خان سراج المحققین با این همه اصرار
انکار، در بیت خود نهادن آورده‌اند» (همان: ۸۴-۸۵).

- سیالکوتی مل وارسته با بیان اینکه ضعف تألیف، آوردن کلام است خلاف محاوره و قاعده اهل زبان، به‌عنوان نمونه، بیتی از سراج‌الدین نقل می‌کند:

«نامه پرداختم از طفل سرشک لخت دل رقعۀ مهمانی بود

رقعۀ مهمانی، اصطلاح اهل هند است و در فارسی معتبر محاوره فارسیان است» (همان: ۷۹).

- سیالکوتی مل وارسته در ادامه، نظر خان آرزو را درخصوص وجود ضعف تألیف در بیت زیر رد می‌کند:

پنجه گل بین که از سردی نمی‌آید به هم زیر هر گلبن ز مینای می آتش پر کنید
«سراج المحققین که در این شعر به سبب تفاوت خطاب در مصرعین، ضعف تألیف
فهمیده، غرابت دارد؛ زیرا که تخالف ضمائر در موارد کلام بسیار است، خاصه این شعر
نیست» (همان).

- سیالکوتی مل وارسته بر قافیۀ ایباتی از سراج الدین ایراد می‌گیرد و از این بابت، اظهار تعجب می‌کند: «خان سراج المحققین قطعه‌ای گفته که بنای قافیه بر فتح است و در بیتی ایمن آورده که می‌میش مکسور است. این دو بیت از آن است:

فلک که آینه زنگ دیده شب را کند به مصقله صبح چون دلم روشن
شکفته باد گل طبعش از نسیم مراد بهار او ز خزان باد چون بهشت ایمن
هذا أنه شی عجاب» (همان: ۸۶).

البته ناگفته نماند در مواردی بسیار، سیالکوتی به نظر و رأی درست خان آرزو اشاره دارد و نیز از اشعار وی به‌عنوان شاهد مثال بهره می‌گیرد:

- «ما در تازی، آب است و در فارسی، ضمیر متکلم مع الغیر یا لفظی که در تازی به معنی دیگر و در هندی به معنی دیگر باشد؛ مثال، خان آرزو گوید:

زن بقال هندی دوش دیدم که حسنش داشت شور ذوفنونی
به ما مشت نمک بنمود یعنی لئن لم تعلموا اسمی سلونی
مراد، سلونی است» (همان: ۲۲).

- در باب صنعت ردّ العجز علی الصدر، این بیت را از خان آرزو نقل می‌کند:

«به پیری آن که اول از برم رفت جوانی بود نام او جوانی»

(همان: ۴۶)

- در موضوع حشو قبیح، بیتی از اسماعیل کاشف صفاهانی آورده، نظر خان آرزو را در این باره تأیید می‌کند:

«آویخته زلف مشک‌بو از چپ و راست این مصرعه رنگین چه طرف‌ها دارد
خان سراج المحققین می‌گویند که زلف را مصرعه رنگین گفتن، خالی از غرابت نیست
و الحق حشو قبیح است» (همان: ۸۱). همچنین در موضوع تتابع اضافات، این بیت خان آرزو را به‌عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند:

«خط پشت لب شیرین که زد جوش بهار رنگ نوروز هم امسال نباتی گردید»

(همان: ۸۴)

۳. نتیجه گیری

سراج‌الدین آرزو، نقد ادبی را در زبان فارسی هویتی مستقل بخشید و آن را بر پایه مبانی علمی زبان‌شناسی و بلاغت و لغت پی‌ریزی کرد. اغلب آثار او به گونه‌ای با نقد ادبی ارتباط دارد. رساله تنبیه الغافلین، سراج منیر و داد سخن، منحصرأ به نقد ادبی اختصاص دارند و انگیزه تألیف آن‌ها نقد شعر شاعران یا پاسخ به نقدهای دیگران بوده است.

یکی از کسانی که به نقدهای سراج‌الدین آرزو پاسخ داده، سیالکوتی مل وارسته است که دو رساله در این زمینه دارد؛ یکی، احقاق حق که رساله‌ای است مختصر در جواب تنبیه الغافلین آرزو و دیگری، جواب شافی یا رجم الشیاطین در جواب نقد آرزو بر دیوان حاکم لاهوری. سیالکوتی مل وارسته در اثر دیگر خویش، مطلع السعدین نیز بر برخی نظرهای خان آرزو ایراد می‌گیرد و بدان‌ها پاسخ می‌دهد. یکی از ویژگی‌های مطلع السعدین، ارائه آرای انتقادی و عدم تقلید کورکورانه از پیشینیان است که مؤلف در جای‌جای آن، به کتاب‌های بلاغی و نظر اندیشمندان معاصر و پیش از خود ارجاع داده و به‌عنوان موافق یا مخالف، نظرهایی درباره آن‌ها ارائه کرده است. یکی از کسانی که در این اثر بسیار از او نام برده می‌شود، سراج‌الدین آرزو است. او در این اثر ضمن محترم شمردن خان آرزو و نام بردن از وی با القابی چون سراج المحققین و سراج المدققین و نقل برخی از اشعار، آرا و اقوال وی و تأیید آن‌ها، برخی از نظرهای او را درخصوص واژگان و اشعار دیگران، رد می‌کند و به بیان نظر درست در آن زمینه با ذکر شواهد مثال و آرای صاحب‌نظران می‌پردازد. همچنین بر برخی از اشعار خان آرزو ایراد گرفته، با ذکر دلیل توضیح می‌دهد.

با توجه به اینکه خان آرزو یکی از منتقدان صاحب‌نام و معتبر در حوزه نقد ادبی بوده است و آثار فراوانی در این زمینه دارد و اینکه سیالکوتی مل وارسته با جرئت و شهامت و البته با رویکردی علمی، به نقد برخی از آرای او پرداخته، نشان از توانایی علمی و مطالعه گسترده وی و آشنایی با دقایق ادبی دارد. این روحیه انتقادگرانه و نگاه عالمانه، در سراسر کتاب مطلع السعدین، به‌روشنی به چشم می‌آید.

انتقادات سیالکوتی بر آرا و اشعار خان آرزو، در جدول زیر قابل مشاهده است:

نظر سیالکوتی مل وارسته	نظر خان آرزو	مورد اختلاف
<p>- شعرا بر کودکی که مادرش بمیرد نیز یتیم اطلاق می کنند.</p> <p>- مراد از بررفتن آن نیست که فهمیده اند، بلکه بر، به معنی پیش است.</p> <p>- این قسم، بل بدتر از این، در اشعار بزرگان هست.</p>	<p>- طفل از مردن مادر یتیم نمی شود.</p> <p>- نسبت از بر رفتن به مادر نمی توان کرد.</p> <p>- خود را پسر دختر قرار دادن خیلی قبیح است.</p>	<p>رد ایراد خان آرزو بر بیت: دختر رز از برم تارفت گردیدم یتیم / دوستداران چاره این طفل بی مادر کنید</p>
<p>در نسخه ای از دیوان ظهوری، به جای اجله الحکما، خلاصه الحکما آمده که این موضوع، طعن عدم فصاحت کلام ظهوری را رد می کند.</p>	<p>به جای اجل که صیغه افعال التفضیل است، اجله آورده و وجه این غلط، نزدیک بودن هر دو لفظ است در تلفظ و سبب عدم فصاحت آن است که هیچ یک از اساتذده چنین نیاورده.</p>	<p>رد اشکال خان آرزو بر شعر ظهوری: خموش چون شوم از غیب می دهند ندا/ که لب میند ز مدح اجله الحکما</p>
<p>در تازی هم مخصوص به عوض خون نیست؛ کما قال عز و جل: «السِّنُّ بالسِّنِّ و الجُرُوحُ قِصَاصٌ».</p>	<p>لفظ قصاص به سند این شعر سلیم: به جرم یک نگهی ز آتش فراقم سوخت/ قصاص عاشق و تقصیر را تماشا کن عربی است به معنی کشته شدن شخصی عوض خون شخصی. فارسیان به معنی تعزیر مطلق آرند.</p>	<p>درباره واژه دیت</p>
<p>اگر به تقدیم و تأخیر الفاظ این مصرع را چنین خوانیم: از او کافیه گشته زیر و زیر، نزاعی نمی ماند و طغرا از طعن سهو الفکر نجات یابد.</p>	<p>اگر طغرا به گمان یای نسبت، مشدّد ساخته، سهو الفکر است؛ زیرا یای نسبت نیست.</p>	<p>رد ایراد خان آرزو درباره واژه کافیه در شعری از طغرا: از او گشته کافیه زیر و زیر / نشد آگه از مبتدا و خبر</p>
<p>کره به معنی تازیانه مخفف دیده نشده، اما به معنی بچه حیوانات، در</p>	<p>لفظ کره به معنی بچه حیوانات، مخفف نمی شود.</p>	<p>رد نظر خان آرزو درباره مخفف نکردن واژه «کره»</p>

<p>شعر شاعران از جمله کمال الدین اسماعیل دیده شده: گه گه که در افادت درسی کند شروع / تا همچو خویش خرکره را درس خوان کند</p>		
<p>این غلطی است فاحش، چه جمع رانا، رانا اصلاً نمی تواند شد. رایان جمع رای، لفظی است هندی، چه رای در هند از عالم رانا و راجه است.</p>	<p>خان آرزو در بیت: ز رایان سرکش که در هند بود / سر عجب رانا نیامد فرود رایان را که به یای حطی است، رانا به نون فهمیده، جمع رانا گفته است.</p>	<p>اشاره به اشتباه فاحش سراج الدین درباره کلمه «رایان»</p>
<p>این معنی، خلاف جمهور است، بلکه معنی آن به روداری کسی از سر چیزی درگذشتن در مصطلحات الشعرا به مستشهدات نوشته ام. پس اگر این معنی در این شعر بگویم، دم معشوق ثابت می شود.</p>	<p>«خان آرزو در این شعر: از شرم، وقت دیدنت ای ترک گرم خو/ همچون نشان آبله درمانده ام به رو درماندن را به معنی مطلق شرم کردن آورده است.</p>	<p>درباره معنی کلمه «درماندن»</p>
<p>شعر طوفی تبریزی: تو با رقیب گذشتی و شد یقین همه را / که خوب و زشت جهان هرچه هست در گذر است</p>	<p>شعر خان آرزو: با رقیبان ز سر کوچه ما می گذری/ خوب و نیک و بد آفاق همه در گذر است</p>	<p>در باب سرقت ادبی</p>
<p>کلمات متنافر، کلمه ای است که وحشی و غریب باشد یا تلفظ آن بر زبانها دشوار بود به سبب قرب مخارج حروف یا عدم تداول.</p>	<p>شعر خان آرزو: ز تو تا تو هست بسیار ره و در میان موانع/ ز چهها گذشته باشی که به خود رسیده باشی بوی گیسوش ار به کُھساری برد باد صبا / در</p>	<p>تنافر در شعر خان آرزو</p>

	<p>رگ کان جمله خون لعل گردد مشک ناب</p>	
<p>لفظ اقدستا لغت ژند و پاژند است و آشنای زبانها نیست و مطلق بیگانه گوش هاست و هم معنی آن موقوف است بر تفحص نسخ لغات ژند و پاژند.</p>	<p>شعرخان آرزو: نکردم شیخ را آنجا سلامی چون دوچارم شد / که اقدستای پیر دهر خود ورد زبانم بود</p>	<p>استفاده خان آرزو از لغات غریب</p>
<p>افتادن آتش، درگرفتن آتش است، چنانکه گوید اسیر: چه حسن نیم رنگ است این چو مژگان خدنگ است این / مگر کار فرنگ است این که آتش در فرنگ افتاد ظاهراً لفظ بر که از سهو ناسخ در شعر سلیم دیده اند، منشأ این اعتراض شده و آلاً در دیوانی که راقم به خط مصنّف دیده، در بوری اتم بوده.</p>	<p>خان آرزو در ایراد بر این بیت از سلیم: به درویشی سلیم از بس که خو کردم پس از مردن / چو آتش زنده می گردم اگر بر بوریا اتم نوشته است: زنده شدن آتش بر بوریا چه که به سبب افتادن بر پنبه نیز ممکن هست، در این صورت تشبیه درست نمی شود.</p>	<p>رد ایراد خان آرزو بر بیته از سلیم</p>
<p>تعقید از باب غلط نیست.</p>	<p>خان آرزو در بحث وقوع غلط از زبان دان، بر این شعر شیخ شیراز، شعر: تو نیکوروش باش تا بدسگال / به نقص تو گفتن نیابد مجال بی محابا حکم به غلط کرده است.</p>	<p>اشاره به اشتباه سراج الدین در خصوص غلط دانستن بیته از سعدی در موضوع تعقید</p>
<p>اظهار واو عاطفه در اثنای مصرع، مخلّ فصاحت است و در ابتدای کلام از این باب نیست.</p>	<p>واو عاطفه این شعر فردوسی: و یا باره رستم جنگجو / به آخر نهد بی خداوند رو</p>	<p>رد نظر خان آرزو درباره بیته از حکیم فردوسی</p>

<p>تا عهد نظیری، چه که تا وقت مرزا صائب هم قباحتی نداشته و لهذا مرزا حسین گفته:</p> <p>منکران چون دیده شرم و حیا برهم نهند / تهمت آلودگی بر دامن مرهم نهند</p> <p>الیوم مهجور و ممنوع است، لیکن حیرانم که خان سراج المحققین با این همه اصرار انکار، در بیت خود نهادن آورده‌اند.</p>	<p>مخلّ فصاحت است.</p> <p>خان آرزو نوشته‌اند لفظ نهادن در عصر قدما بلکه تا عهد نظیری هم به معنی شنیع مستعمل نبود.</p>	<p>درباره لفظ نهادن</p>
<p>ضعف تألیف، آوردن کلام است خلاف محاوره و قاعده اهل زبان. رقعۀ مهمانی، اصطلاح اهل هند است و در فارسی معتبر محاوره فارسیان است.</p>	<p>بیتی از سراج‌الدین: نامه پرداختم از طفل سرشک / لخت دل رقعۀ مهمانی بود</p>	<p>ضعف تألیف در شعر خان آرزو</p>
<p>خان آرزو در این شعر به سبب تفاوت خطاب در دو مصرع، ضعف تألیف فهمیده، در حالی که تخالف ضمائر در موارد کلام بسیار است، خاصه این شعر نیست.</p>	<p>خان آرزو در این بیت، ضعف تألیف فهمیده: پنجه گل بین که از سردی نمی‌آید به هم / زیر هر گلبن ز مینای می آتش پر کنید</p>	<p>رد نظر خان آرزو درباره وجود ضعف تألیف در بیتی</p>
<p>در این شعر، بنای قافیه بر فتح است و در بیتی ایمن آورده که میمش مکسور است.</p>	<p>شعر خان آرزو: فلک که آینه زنگ دیده شب را / کند به مصفلة صبح چون دلم روشن شکفته باد گل طبعش از نسیم مراد/ بهار او ز خزان باد چون بهشت ایمن</p>	<p>ایراد قافیه در شعر خان آرزو</p>

فهرست منابع و مآخذ

الف. کتاب‌ها

۱. انوشه، حسن (۱۳۸۰)، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، جلد ۴، بخش سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. اورنگ‌آبادی، شفیق (۱۱۸۲ ق)، تذکره گل رعنا، حیدرآباد دکن: عهدآفرین.
۳. بهگوان داس (۱۹۵۸ م)، سفینه هندی، تصحیح محمد عطاءالرحمن عطا کاکوی، پتنه: اداره تحقیقات عربی و فارسی.
۴. بهوپالی، سیدمحمدعلی حسن‌خان (۱۲۹۵ ق)، تذکره صبح گلشن، بهوپال: مطبع شاهجهانی.
۵. حاج سیدجواد، سیدکمال (۱۳۹۱)، فرهنگ‌نامه زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند، چاپ دوم، تهران: خانه کتاب.
۶. خوشگو، بندرین داس (۱۳۷۸ ق)، سفینه خوشگو، به کوشش محمد عطاءالرحمن عطا کاکوی، پتنه: اداره تحقیقات عربی و فارسی.
۷. رحیم‌پور، مهدی (۱۳۹۱)، بر خوان آرزو، چ ۱، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
۸. سیالکوتی، وارسته مل (۱۲۷۱ ق)، مطلع السعدین، نسخه خطی شماره ۳۵۲۴۷، مشهد: کتاب‌خانه آستان قدس رضوی.
۹. _____ (۱۳۸۰)، مصطلحات الشعرا، تصحیح سیروس شمیسا، تهران: فردوس.
۱۰. سید عبدالله (۱۳۷۱)، ادبیات فارسی در میان هندوان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۱۱. فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، نقد ادبی در سبک هندی، تهران: سخن.
۱۲. محمود، سید فیاض و سید وزیرالحسن عابدی (۱۳۸۰)، تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره هند، ترجمه مریم ناطق شریف، تهران: رهنمون.
۱۳. نقوی، علی‌رضا (۱۳۴۳)، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، تهران: علمی.

ب) مقاله‌ها

۱. انجم طاهره (۲۰۱۳ م)، «بیاض وارسته، نقد و بررسی»، مجله Oriental College Magazine، شماره ۳، (صص ۶۱-۷۸).
۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «مسائل سبک‌شناسی از نگاه آرزو»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳۶، شماره ۲، (صص ۱-۱۶).
۳. عامر، خان محمد (۱۳۸۳)، «تعامل ادبیات فارسی با فرهنگ هندوان»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۶، (صص ۶۷-۷۱).
۴. فلاح، غلام‌علی (۱۳۹۴)، «پیشگامان بلاغت فارسی در شبه قاره هندوستان»، مجله مطالعات و تحقیقات ادبی، شماره ۱۸، (صص ۱۳۳-۱۴۱).
۵. نجم الرشید (۱۳۸۲)، «سیر نقد شعر فارسی در شبه قاره»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۷، (صص ۴۶-۵۵).